

هفته نامه فاتح

○ محمد قبادی

۲۴۳

اشاره

داوری درباره مطبوعات دوره حکومت استبدادی پهلوی (چه در دوره رضاشاه و چه در حکومت محمدرضا شاه)، جز در دهه ۱۳۲۰ و نیمه دوم سال ۱۳۵۷، چندان پیچیده نیست. هرچند که اسناد اندکی از فعالیتهای فرهنگی (مطبوعاتی) در اختیار داریم، اما آنچه که موجود است بیشتر متوجه نشریات مشهور و بویژه نشریاتی است که در مرکز چاپ و نشر می یافته است. از این رو نشان دادن مناسبات درونی برخی از نشریات محلی که دوام زیادی داشته اند و برخی از مقاطع سیاسی کشور را در دوره حیات خود تجربه کرده اند، می تواند دستاوردهای ارزشمندی برای خوانندگان و پیش از آن تاریخ نگاران علاقه مند به این موضوع فراهم آورد. در این شماره از فصل نامه مطالعات تاریخی به هفته نامه محلی فاتح پرداخته ایم.

هفته نامه فاتح به صاحب امتیازی حسین فاتح، در کرمان و در دوره سلطنت محمدرضا شاه منتشر می شد. حسین فاتح در ششم دی ۱۳۲۹ امتیاز این نشریه را دریافت کرد و در سی و یکم اردیبهشت ۱۳۳۰ نخستین شماره آن را منتشر کرد و در نهایت در زمستان ۱۳۵۴ پس از نزدیک به ۲۵ سال فعالیت مطبوعاتی در زمره نشریات «غیرمفید» تشخیص داده شد و امتیاز آن باطل گردید.^۱

حضور ۲۵ ساله هفته نامه فاتح آن هم در دوره ای که انتشارش هم زمان با نخست وزیری دکتر محمد مصدق شروع می شود و وقایعی مهم چون کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، ۱۵ خرداد ۴۲، ۱۳ آبان ۴۳ و بسیاری از وقایع دیگر را تا زمستان ۱۳۵۴ پشت سر می گذارد، بدون مواجهه با هیچ خللی و یا توقیفی، بیانگر گوشه ای از تاریخ مطبوعات در حکومت پهلوی است و می توان سیاستهای مطبوعاتی آن دوره را به طور ملموس تری در صفحات آن مشاهده کرد و گرنه هفته نامه فاتح نکته بارز و یا فعالیت برجسته ای در عرصه خبر انجام نداده است. ارائه اخبار دسته چندم آن هم در هفته نامه ای که از چهار صفحه آن، حداقل دو صفحه با آگهیهای انحصار وراثت، ثبت اسناد، مزایده، حراج و اطلاعیه های دولتی و در بعضی مواقع ارتقای درجه افسران ارتش و گاهی هم با آگهی ازدواج فلان نظامی یا صاحب منصب با فلان دوشیزه، پر می شد، نمی توان فعالیتی به حساب آورد که باعث دوام یک نشریه در طول ربع قرن باشد، اگرچه نشریه ای محلی باشد. با بررسی اسناد پرونده حسین فاتح و هفته نامه اش می توان به چند مسئله پی برد که شاید رمز دوام ۲۵ ساله هفته نامه هم باشد:

۱- طرفداری از شاه و حمایت کلی از سیاستهای حکومت پهلوی و دولتهای آن.

فاتح می نویسد: «چون دولتهای وقت مجریان اوامر خیرخواهانه اعلی حضرت همایون شاهنشاه معظم هستند بنده هم روزنامه خود را پیرو آنها می دانم.»^۲

۲- همکاری با ارتش (رکن ۲) و ساواک در ارتباط با تحرکات بر ضد حکومت پهلوی که از جمله آنها می توان به شناسایی و معرفی افراد حزب توده و نیز درج مقاله به نفع حکومت یا سکوت خبری در جریان وقایع و رویدادهای نهضت امام خمینی، اشاره کرد. ساواک در گزارشی با اشاره به این موضوع، می نویسد: «مدیر روزنامه مزبور با توجه به موقعیت محلی و با در نظر گرفتن نفع شخصی خود، تاکنون در حدود مقدمات، با این ساواک همکاری داشته و اقدامات نسبتاً قابل توجهی هم به موقع خود انجام داده است... روزنامه او نسبت به روزنامه دیگر موجود در کرمان (اندیشه) از نظر ساواک قابل توجه تر است...»^۳

۳- علاوه بر این، فاتح هیچ گاه دولت مردی از حکومت پهلوی را به باد انتقاد نگرفت. مهم ترین مطالب فاتح را در دهه ۴۰ سلسله نوشته هایی تحت عنوان «خاطرات شاهنشاه. مأموریت برای وطنم» و بخشهایی از کتاب انقلاب سفید تشکیل می داد که ظاهراً همان مقالاتی بود که به گفته ساواک از طرف اداره اطلاعات و رادیو استان به هفته نامه ارسال می شد. «روزنامه فاتح که به طور هفتگی و در چهار صفحه منتشر می شود اکثر مندرجات آن را آگهیهای محلی تشکیل می دهد و چون روزنامه مزبور سردبیر و نویسنده لایق و کاردانی که بتواند مندرجات روزنامه را از نظر مقالات سیاسی - علمی - ادبی و غیره تأمین نماید، ندارد اخیراً از طرف اداره اطلاعات و رادیو استان

مقالاتی برای درج به آن داده می شود...»^۴

۴- حمایت‌های متنفذین محلی بویژه پایتخت نشینها^۵ که در این مورد اسنادی چند موجود است که در یکی از آنها آمده: «... آقای حسین فاتح یکی از روزنامه نگاران بی سواد و بی پایه می باشد که در اثر کمی معلومات، خود را به متنفذین محلی و بعضی از رؤسای ادارات دولتی نزدیک کرده و از وجود آنان سوءاستفاده می نماید...»^۶

بررسی مواردی از این دست بویژه با اعتراف ساواک مبنی بر اینکه هفته نامه فاتح «هیچ گونه اثر وجودی برای تنویر افکار عمومی نداشته و صرفاً برای تأمین منافع یک طبقه خاص متنفذ گام برداشته...»^۷ راز حیات طولانی آن را برملا می کند.

زندگی نامه حسین فاتح

حسین فاتح فرزند محمد در ۱۲۸۰ ش در کرمان به دنیا آمد. برادرش محمود فاتح یکی از افسران ژاندارمری بود. حسین فاتح تحصیلات خود را از مکتب خانه های زادگاهش آغاز کرد و از هر آنچه آموخت به عنوان «تحصیلات قدیم»^۸ یاد کرد.

۲۴۵

او در ۱۲۹۶ ش به اداره پلیس جنوب (S.P.R) پیوست و تا ۱۲۹۹ ش در خدمت آنان بود. این تشکیلات نظامی در شوال ۱۳۳۴/مرداد ۱۲۹۵، یعنی اواسط جنگ جهانی اول، توسط انگلیسیها و تحت نظارت، تعلیم و فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی در ولایات فارس، کرمان، یزد و اصفهان و با بودجه دولت انگلیس تأسیس گردید. این نیروهای نظامی در ظاهر وظیفه «حفظ امنیت راههای جنوب ایران» را برعهده داشتند، اما در واقع حافظ منافع انگلیس و تحکیم کننده موقعیت آنان در منطقه بودند. در طول فعالیت پنج - شش ساله پلیس جنوب که چند هزار سرباز ایرانی را در خدمت داشت، هیچ یک از دولتهای وقت ایران آن را به رسمیت نشناخته و فعالتهای آن را مجاز نمی شمردند و تنها سیدضیاءالدین طباطبایی که با کودتای ۱۲۹۹ ش به ریاست الوزرای رسیده بود تا حدی آن را به رسمیت شناخته درصدد بود تا این نیروی نظامی را ضمیمه ژاندارمری کند اما با سقوط کابینه سیدضیاء در خرداد ۱۳۰۰ این هدف به نتیجه نرسید و در پی آن پلیس جنوب هم در پاییز ۱۳۰۰ ش منحل شد و تمام وسایل و تجهیزاتش را همان انگلیسیهای مؤسس، یا نابود و یا به هند منتقل کردند. تعدادی از افسران و افراد آن در اختیار ژاندارمری و قزاق خانه قرار گرفتند و این زمانی بود که رضاخان (سردار سپه) درصدد تشکیل قشون متحدالشکل بود.

در دی ۱۳۰۰ طی «حکم عمومی قشونی» هسته اصلی ارتش نوین ایران رسماً تشکیل شد که مرکب بود از پنج لشکر، یک ارکان حرب و یک هیئت شورای قشونی در ارکان حرب کل

قشون^{۱۰} که پنج دایره داشت. در این تشکیلات جدید، نیروهای بازمانده از پلیس جنوب نیز قرار داشتند که در ژاندارمری و قزاق خانه ادغام شده بودند^{۱۱} که حسین فاتح نیز از جمله آن افراد بود. او در ۱۴ فروردین ۱۳۰۱ به طور رسمی وارد ارتش شد و تا ۲۰ آبان ۱۳۰۵ در لشکر جنوب به مرکزیت اصفهان خدمت کرد که نواحی اصفهان، فارس، کرمان، بلوچستان، خوزستان، بنادر، یزد و کاشان را در بر می گرفت. آن گاه در ۲۹ آبان ۱۳۰۵ به واحد امنیه لشکر منتقل شد که وظایف ژاندارمری را برعهده داشت. واحدهای امنیه لشکرهای ارتش بعد از شهریور ۱۳۲۰ از ارتش جدا و دوباره با نام ژاندارمری احیا شد و فاتح نیز در آن به خدمت مشغول بود تا در اسفند ۱۳۲۲ با درجه گروهبان یکمی از ژاندارمری بازنشسته شد.^{۱۲}

فعالتهای فاتح از زمان بازنشستگی در ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۹ ش نامشخص است و آنچه در اسناد به آن اشاره شده این است که «از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۹ [به] کارهای متفرقه» پرداخته است. او در همین زمینه در جواب تمایلات سیاسی و سوابق خود می نویسد: «اول جزو حزب عامیون^{۱۳} و اراده ملی^{۱۴} - بعدها جزو حزب ملیون^{۱۵} مدتها با همکاری رکن دو لشکر کرمان با وجود سوابق موجود علیه حزب منحل توده همکاری می کردم [...] و از سال ۱۳۲۹ که روزنامه دایم روزنامه گواه هدفهای سیاسی بنده است...»^{۱۶}

۲۴۶

فاتح به صراحت اشاره می کند که سوابق مخالفت علیه حزب توده داشته است که می توان آن را از مهم ترین فعالتهای سیاسی فاتح در آن سالها به حساب آورد. فاتح حتی قبل از گرفتن امتیاز هفته نامه، با لشکر کرمان بویژه رکن ۲ همکاری می کرد و چه بسا همین فعالیتها در دریافت امتیاز هفته نامه اش بی تأثیر نبوده باشد. در مجموعه اسناد حسین فاتح سندی وجود دارد بدین مضمون که:

وزارت جنگ
رژیم شاه علوم از وزارت جنگ

شماره ۶۴۹ مورخ ۱۳۲۹/۶/۲ بازپرسی بکلی محرمانه

آقای حسین فاتح، نظر به اینکه وظیفه هر شخص میهن پرست خدمت به میهن می باشد در این موقع که اشخاص نامعلومی در این استان به نشر اوراق حزبی مبادرت ورزیده و افکار جامعه را به مرام کمونیستی که برخلاف اصل آزادی است متوجه می سازند، چون بایستی سران و کارمندان حزب توده به کلی ریشه کن گردند چنانچه بتوانید این قبیل اشخاص مفسده جو را به لشکر معرفی یا به وسیله مأمورین اداره شهربانی در دستگیری آنان اقدام نمایید، زحمات شما فراموش نشده و این لشکر به موقع جبران خواهد نمود.

فرمانده لشکر ۷ کرمان و مکران - سرلشکر گلشائیان^{۱۷}

حسین فاتح در اواخر ۱۳۳۰ ش در اداره اصل چهار کرمان به فعالیت پرداخت و ریاست دایره اطلاعات و انتشارات این اداره را در کرمان برعهده گرفت. اداره اصل چهار، حاصل چهارمین بند از سیاستهای اقتصادی - سیاسی هری ترومن، رئیس جمهور وقت امریکا بود که در پیامی به کنگره این کشور در ژانویه ۱۹۴۹/دی - بهمن ۱۳۲۷ اعلام شد. بر مبنای این اصل، کشورهای ضعیف یا فقیری که پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ - ۱۳۲۴ ش) در معرض خطر کمونیسم و به طور کلی بلوک شرق بودند، از جهت اقتصادی، نظامی و فنی تحت حمایتهای امریکا قرار می گرفتند.

این کمکها بیشتر در قالب وام و به صورت مشارکت در طرحهای توسعه روستایی، بهبود و ترویج کشاورزی، بهداشت و امور فرهنگی عرضه می شد. اولین موافقت نامه همکاری برای ارائه این کمکها در مهر ۱۳۲۹ به امضای هنری گریدی، سفیر کبیر و نماینده تام الاختیار ایالات متحده در ایران و حاجعلی رزم آرا، نخست وزیر، رسید. فعالیت و همکاریهای اداره اصل چهار در ایران در اواخر دهه ۱۳۳۰ محدود شد^{۱۸} و در ظاهر به همین علت هم، همکاری حسین

فاتح در سالهای ۳۷-۱۳۳۸ ش که ریاست دایره اطلاعات و انتشارات این اداره را در کرمان برعهده داشت، پایان یافت.

از دیگر فعالیتهای حسین فاتح که در اسناد ساواک نیز منعکس شده است تأسیس حزبی است که در ۱۳۳۲ ش از محمدرضا شاه طرفداری و به نام حزب اعلامیه صادر می کرد. او می گوید: «... در همه حال پیرو منویات و طرفدار سلطنت مشروطه بوده ام. در فروردین ماه ۱۳۳۲ حزبی به طرفداری شاهنشاه در کرمان تشکیل دادم که اعلامیه های منتشره فروردین ماه ۱۳۳۲ در ادارات انتظامی موجود است.»^{۱۹}

در مورد این حزب، هیچ سابقه ای در میان اسناد موجود به دست نیامد، ضمن



آنکه، فعالیتهای او در ماههای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با نوشته‌هایش در میان اسناد مغایرت داشت و مؤید پاسخهای او به پرسشهای ساواک نیست چرا که طبق گزارشهای ساواک «آقای حسین فاتح در گذشته از طرفداران دکتر محمد مصدق بوده و در سرمقاله خود از فرزندوم زمان مشارالیه^{۲۰} تمجید و تجلیل نموده است...»^{۲۱} و در گزارشی دیگر آمده است: «در دوران حکومت مصدق خصوصاً در اواخر حکومت مصدق و تا ۲۸ مرداد مداح حکومت مصدق بوده و مطالب این روزنامه برخلاف مصلحت عالیه مملکت بوده است.»^{۲۲} همچنین در سندی دیگر گزارش شده که «... به فرار اطلاع، روزنامه فاتح در مورد فرزندوم مرداد سال ۳۲ که وسیله دکتر مصدق انجام شد در همان موقع ضمن تأیید موضوع، سرمقاله‌ای نوشته و در آن احساسات مردم برای شرکت در فرزندوم و اینکه به ندای پیشوای خود جواب مثبت داده‌اند و گفته‌اند مصدق پیروز است و انحلال مجلس را خواستار می‌شده‌اند، یاد کرده و احساسات مردم را در این مورد ستوده است.»^{۲۳}

در این مورد مشخص که برای ساواک «از نظر دانستن سابقه مورد اهمیت بوده»، گزارشهایی وجود دارد که تأکید می‌کند فاتح در پی کسب منافع شخصی بوده، برای حفظ آن به هر سمت و سویی می‌رفته است و «به طوری که در این مدت استنباط گردیده آقای حسین فاتح مدیر روزنامه فاتح از افراد دورو و زیرکی است که هر موقع به مناسبت زمان، تغییر رنگ می‌دهد. این شخص که در گذشته چنین سرمقاله‌هایی در روزنامه خود درج می‌نموده در حال حاضر نیز سنگ اصلاحات و پیروی از انقلاب را به سینه می‌زند...»^{۲۴}

۲۴۸

هفته نامه فاتح

نخستین شماره هفته نامه فاتح در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ منتشر شد. دو شماره نخست این هفته نامه ارگان حزب عامیون بود و پس از آن حسین فاتح آن را منتشر کرد. در بین سالهای ۱۳۳۷ ش تا ۱۳۳۹ ش که حزب ملیون فعالیت می‌کرد، فاتح مدتی ارگان این حزب به شمار می‌رفت، تا اینکه چند سال پس از تشکیل حزب ایران نوین، با این حزب به همکاری پرداخت و^{۲۵} هفته نامه فاتح از شماره ۱۰۶۸ (۱۳۴۹/۲/۳) در سه شماره ارگان حزب ایران نوین به شمار می‌آمد تا اینکه کمیته استانی حزب در نامه‌ای، خواستار توقف این همکاری شد.

۴۹/۲/۲۲

حزب ایران نوین

شماره ۶۸۲

کمیته استان کرمان

آقای حسین فاتح، مدیر روزنامه فاتح

هفته نامه فاتح

ضمن اظهار تشکر از همکاری جنابعالی که روزنامه فاتح را آزمایشی به عنوان ارگان در اختیار کمیته استان قرار داده اید چون در حال حاضر امکانات مالی و اداری کمیته استان اجازه انتشار روزنامه مزبور را نمی دهد لذا بدین وسیله قرارداد مربوطه کان لم یکن تلقی می گردد.

سرپرست کمیته استان کرمان - ایرانهور^{۲۶}

نکته جالب توجه آنکه پس از الغای قرارداد حزب ایران نوین با فاتح، ظاهر هفته نامه نیز تغییر کرد؛ چراکه در همان سه شماره همکاری، جنس کاغذ و رنگ بندی نشریه تغییر کرده بود و البته این تغییر حتی در چیدن اخبار استانی و حزبی نیز مشهود بود، اما به هر ترتیب پس از آن، انتشار اخبار حزبی در هفته نامه فاتح متوقف شد مگر در آستانه برگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن. اطلاع رسانی هفته نامه فاتح نیز همچون دیگر رسانه های خبری در حکومت پهلوی بود. چنانچه ساواک امر به سکوت می کرد باید سکوت خبری برقرار می شد و یا اگر تخریبی در کار بود باید انجام می شد و به طور کلی «مصلح عالیله کشور» می بایست حفظ می شد و این مطلب را فاتح به صراحت تأکید می کند و بدین ترتیب موقعیت خود را به مقامات ساواک گوشزد می نماید.

۲۴۹



«... نامبرده اظهار داشت با توجه

به اینکه در مندرجات نشریه خود

همیشه رعایت مصالح کشور را

کرده و در مواقع لزوم طبق

نظریات مقامات مسئول بویژه

ساواک محل انجام وظیفه نموده

ولی به خواسته های وی و تقویت

این نشریه به هیچ وجه توجه

نگردیده...»^{۲۷}

انجام وظیفه در نظر فاتح، همانا

سیاستهای مطبوعاتی رژیم پهلوی بوده

است. چنانچه:

۱- هفته نامه فاتح در مورد حمله

مأموران حکومتی به مدارس فیضیه قم

و طالبیه تبریز در فروردین ۱۳۴۲ و نیز

واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سکوت کرد.

فاتح در این موارد هیچ مطلب یا خبری هر چند مختصر درج نکرده، سکوت خبری مورد نظر ساواک را برقرار می‌کند. شاهد این مدعا صفحات انتشار یافته هفته نامه فاتح است.

۲- هفته نامه فاتح درباره تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ مطلبی درج می‌کند که از جانب ساواک دیکته شده بود. این تجربه را ساواک در سال ۱۳۵۶ نیز تکرار کرد. اما موجی از مخالفت‌های مردمی، پایه‌های حکومت پهلوی را لرزاند. مقاله توهین آمیز رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات همان چیزی بود که در زمستان ۱۳۵۶ از عوامل شتابزای انقلاب به شمار می‌آید. در ۱۴ آبان ۱۳۴۳، یک روز پس از



۲۵۰

تبعید امام خمینی به ترکیه، در هفته نامه فاتح مقاله‌ای علیه ایشان انتشار یافت که خشم مردم را برانگیخت. حسین فاتح در گزارشی در ۱۳ شهریور ۱۳۴۴ خطاب به سرهنگ ناصر مقدم - مدیرکل ساواک - می‌نویسد: «... بنده برحسب دستور اداره اطلاعات و رادیو کرمان در چهاردهم آبان ماه ۴۳ مقاله‌ای علیه آقای خمینی در شماره ۷۴۴ روزنامه چاپ و منتشر نمودم. [...] خلاصه در نتیجه انتشار روزنامه فاتح، آقای شیخ محمدمهدی موحدی روزنامه را بالای منبر برد، مردم را علیه جان بنده تحریک کرد. همین طور آقای فخر یکی از وعاظ دیگر کرمان. در نتیجه چاپخانه بنده را آتش زدند...»^{۲۸}

مؤلف کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، در بیان عکس العمل مردم نسبت به درج چنین مقاله‌ای می‌نویسد: «هتاکه‌ها و ناسزاگویی‌های این مزدوران شاه و روزنامه‌های مبتذل ایران علیه قائد بزرگ، خشم شدید توده‌های غیور و مسلمان ایران را برانگیخت و به واکنش عصیان بار و شدید واداشت. مردم مسلمان و مبارز کرمان دفتر روزنامه محلی را که فاتح نام داشت و به مقام شامخ قائد بزرگ اسلام توهین و جسارت کرده بود آتش زدند...»^{۲۹}

حجت الاسلام سید محمود دعایی در خاطرات خود از عکس العمل مردم نسبت به اقدام فاتح

می گوید: «... در ایامی که امام را تبعید کردند، ساواک بیانیه ای تند صادر کرد که بعضی از نشریات آن را چاپ کردند که از جمله آنها هفته نامه فاتح در کرمان بود... دوستان انقلابی پیشنهاد دادند که از آن انتقام گرفته شود. در آن موقع تشکلهای نوپایی از علاقه مندان امام و مبارزان وجود داشت که حرکتی تقریباً هماهنگ و به نوعی سازمان یافته را دنبال می کرد. در همان مجامع تصمیم گرفته شد که فاتح را گوشمالی دهند. من هم مسئول اجرای این برنامه بودم که به اتفاق دو نفر از دوستان دانش آموز با احساس و متدین، مقداری بنزین تهیه کردیم و در فرصتی مناسب چاپخانه فاتح را که در محله ای نه چندان شلوغ قرار داشت، آتش زدیم. درب چوبی چاپخانه و قسمتهای دیگر هم آتش گرفت. البته خیلی بحران ایجاد نشد و مسئله ایجاد نکرد اما انعکاس وسیع و زیادی در شهر ایجاد کرد. یعنی همه فهمیدند که فاتح سزای عمل خودش را دیده و دوستان امام انتقام این گستاخی را گرفته اند...»^{۳۰}

این عکس العمل به همین جا ختم نمی شود. همان طور که حسین فاتح در ادامه نامه اش می نویسد، عده ای نامه های تهدیدآمیز با امضاءهای مختلف برایش می فرستادند و او را محکوم به مرگ می نمودند.^{۳۱} سید محمود دعایی در ادامه یادآوری خاطراتش در این زمینه می گوید: «دوستان هر وقت یک دو قرانی گیرشان می آمد، نذر فاتح می کردند و می رفتند از تلفن عمومی او را تهدید می کردند.»^{۳۲}

حسین فاتح در نامه مذکور پس از بیان مطالب گذشته، مطالبات خود را عنوان کرده می نویسد: «... حال علاوه بر آنکه آقای بهرامی رئیس اداره اطلاعات و رادیو کرمان کمکی به ما نمی کند، سهمیه حقه بنده را هم پایمال کرده، آگهی حصر وراثت شهرستانها در پنج ماهه اول سال را عموماً روزنامه اندیشه چاپ کرده و هر چه هم ما نوشته ایم ترتیب اثری نداده اند...»^{۳۳}

این اولین و آخرین باری نبود که حسین فاتح از طریق یادآوری همکاریهایش با ساواک مطالبات مالی خود را بیان می کرد، بلکه او بارها از این طریق و یا از راه ارائه اطلاعات، در خواستههای خود را اعلام کرده بود. در یکی از گزارشهای ساواک پس از بیان این مطالبات از زبان فاتح آمده است:

«... نامبرده در خاتمه افزوده در منطقه کرمان افرادی وجود دارند که مخل نظم و آرامش آن ناحیه گردیده از جمله شیخ مهدی موحدی روضه خوان که از طرفداران خمینی می باشد. در مجالس و مجامع، مصالح کشور را رعایت ننموده و اکثراً مطالبی بر له خمینی اظهار می دارد که در روحیه مردم آن منطقه بسیار مؤثر واقع می شود. مضافاً برادران مشارزاده که یکی دبیر فرهنگ و دیگری رئیس دبیرستان پهلوی کرمان می باشند از طرفداران خمینی بوده و اغلب از اقدامات دولت و مقامات عالیله کشور انتقاد به عمل می آورند...»

در پایان گزارش نیز پیشنهاد می‌دهد که «اصلاح است یکی از آنان که دبیر فرهنگ می‌باشد و فعالیت شدیدتری دارد از آن منطقه منتقل گردد.»^{۳۴}

اسناد دیگر نیز نشانگر حمایت لشکر کرمان (رکن ۲) و استانداری از حسین فاتح و هفته نامه اش می‌باشد که خدمات فاتح را «فراموش شدنی» نمی‌دانند.

ارتش شاهنشاهی ایران

نیروی زمینی

از اداره تیپ پیاده کرمان

تاریخ ۴۰/۴/۴

دائرة رکن ۲

شماره ۲/۱۸۴۸

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت

درباره فاتح مدیر روزنامه فاتح

به طوری که استحضار دارند روزنامه فاتح کرمان همه هفته بدون تعطیلی منتشر و خوانندگان زیادی در استان کرمان و همچنین بلوچستان دارد و آقای حسین فاتح مدیر روزنامه مذکور نیز از روزنامه نگاران شاه دوست و میهن پرست بوده و خدمات وی مورد توجه خاص دستگاههای انتظامی و دوایر دولتی می‌باشد. با زحمات و مخارجاتی که در راه این وظیفه ملی متحمل گردیده، عایداتی جز درج آگهیها ندارد و طبق صورتجلسه ۷ اسفند ماه ۳۹ کمیسیون نشر آگهیهای منطقه بلوچستان و صورت مجلس مورخ ۱۰/۱۲/۳۹ کمیسیون قانونی شهرستان رفسنجان مقرر شده آگهیهای دولتی [را] به روزنامه فاتح چاپ کرمان بدهند. اینک آقای فاتح شرحی به تیپ اعلام، مبنی بر اینکه در جریان تقسیم آگهیها برخلاف قانون و عدالت حق این روزنامه پایمال گردیده است. علی هذا ضمن اینکه طبق لایحه تقسیم آگهیها حتی الامکان آگهیهای هر منطقه بایستی به روزنامه نزدیک تر به آن منطقه داده شود و شهرستان رفسنجان نیز جزو استان کرمان است خواهشمند است در این مورد بذل توجه خاص مبذول و تصمیمی اتخاذ فرمایند که به پاس شاه دوستی نامبرده و ادامه این وظیفه ملی سهمیه از آگهیهای دولتی مناطق فوق الذکر را به منظور درج به روزنامه مزبور ارسال فرمایند.

۲۵۲

فرمانده تیپ ۶ پیاده کرمان

سرتیپ مهرابپور^{۳۵}

اما داستان چاپ آگهیهای دولتی در هفته نامه فاتح حکایت دیگری داشت :

طبق دستورالعمل نحوه اجرای قانون تمرکز و توزیع آگهیها، کلیه آگهیهای مناقصه و مزایده بایستی در دو ستون و با حروف معمولی (۱۲ سفید) در جراید چاپ شود و برای انجام این دستور بر روی نسخه های این نوع آگهیها مهر (دو ستونی با حروف معمولی) زده می‌شود

ولی روزنامه فاتح با توجه به گزارشات قبلی به این مطلب توجه نمی کند و آگهیهای ادارات را به منظور دریافت وجه بیشتر با حروف درشت و در سه ستون چاپ می نماید...^{۳۶}

فاتح به استناد این گزارش، آگهی ژاندارمری کرمان را که باید در ۲۷ سطر چاپ می شد و حداکثر ۶۹۵ ریال دریافت می کرد در حدود ۳۷۷۰ ریال مطالبه کرده بود. علاوه بر این، فاتح روشهای دیگری در تأمین احتیاجات داشت. مقالات تأییدی و یا تخریبی مؤسسه یا اداره ای می توانست برای مدیر هفته نامه فاتح سودآور باشد. درباره این نحوه کسب درآمد در میان اسناد، چند سند گویای این مطلب است. برای نمونه به سندی که در شهریور ۱۳۴۷ توسط ساواک تنظیم شده اشاره می شود: مهندس صالحی، یکی از مسئولان شرکت برق منطقه ای کرمان در سخنانی از ابوالقاسم هرنندی، یکی از متمولان و اشخاص ذی نفوذ محلی، تعریف می کند فاتح که خود از ارادتمندان هرنندی بود، در مقاله ای به تمجید از شرکت برق بر می آید و هزینه درج آن مقاله را نیز از شرکت برق مطالبه می کند.

سند مذکور در ادامه این مطلب می نویسد: «... حسین فاتح که سوابق او نشان می دهد روزنامه را بر کلاشی و روشن نگه داشتن آتش و افورش می خواهد پس از چاپ مطلب به شرکت برق مراجعه می کند و تقاضای حق الدرجه می نماید در حالی که شرکت برق هیچ گونه درخواستی نداشته که وی در روزنامه اش مبادرت به چاپ این موضوع نماید و چون مبلغ زیادی را مطالبه می کند مسئولان مربوط جوابی نمی دهند و در نتیجه به آنان اولتیماتوم می دهند...». فاتح در پی این اولتیماتوم، اشخاصی را وادار به تنظیم شکایت نامه از شرکت برق می کند و او نیز این شکایت نامه را چاپ می کند «در نتیجه مبلغ ده هزار ریال به او پرداخت می نمایند. مدیر روزنامه فاتح پس از دریافت وجه مبادرت به تعریف در شماره ۴۰ مورخ ۲۰ تیرماه ۴۷ از برق منطقه ای



می‌نماید و نامه‌ای بر له آنها در روزنامه می‌گذارد...»^{۳۷}

فاتح از این شیوه علاوه بر کسب موقعیتهای مالی در پی استفاده از رانتهای دیگر از طریق همکاریهایی با واحدهای انتظامی - نظامی و دوایر دولتی بود.

از جمله این موقعیتهای حضور او در مصاحبه‌های مطبوعاتی ماهیانه در «پیشگاه مبارک ملوکانه» بود که جز با وساطت صاحب منصبان و متنفذین محلی در مرکز به دست نمی‌آمد. نمونه این وساطتها که در میان اسناد حسین فاتح به چشم می‌خورد نامه‌ای است در ۵ آبان ۱۳۳۷ از استانداری کرمان خطاب به وزارت کشور:

آقای حسین فاتح صاحب امتیاز و مدیر روزنامه فاتح که از عناصر شاه‌دوست و میهن‌خواه واقعی این استان [...] و از اشخاص خوش سابقه و خیرخواه کرمان بوده و مراتب فداکاری خود را نسبت به مقام شامخ سلطنت به ثبوت رسانیده و شایستگی شرکت در مصاحبات مطبوعاتی ماهیانه را در پیشگاه مبارک ملوکانه دارد، بدین وسیله معرفی می‌گردد. متمنی است مقرر فرمایند دوباره معرفی مشارالیه اقدام مقتضی معمول و نتیجه را اعلام دارند. استانداری استان هشتم.^{۳۸}

پنج روز پس از ارسال این معرفی‌نامه (وساطت نامه) نامه دیگری از ستاد نیروی زمینی (رکن ۲) به همین مضمون به «تیمسار ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران» ارسال می‌شود.^{۳۹} بدین ترتیب و با مساعدت صاحب منصبان محلی، فاتح در جلسات ماهیانه شرکت می‌کرد و گزارش آن را هم در هفته‌نامه‌اش به چاپ می‌رساند. اما سرانجام در زمستان ۱۳۵۴ ش هفته‌نامه فاتح در زمره نشریات غیرمفید از ادامه انتشار بازماند و امتیازش باطل گردید و حسین فاتح نیز چند سال پس از آن درگذشت.

۲۵۴

نکته آخر

نگارش این مقاله نیازمند دوره کاملی از هفته‌نامه فاتح بود که بسیاری از کتابخانه‌های محلی و سراسری از جمله کتابخانه ملی (کرمان)، کتابخانه ملک (تهران) و کتابخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران) فاقد نسخه‌هایی از این نشریه بود و تنها در کتابخانه ملی (تهران) و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران) نسخه‌هایی از این هفته‌نامه یافت شد:

۱- کتابخانه ملی (تهران): از شماره ۱۰۸۱ (اول مرداد ۱۳۴۹) تا شماره ۱۳۸۶ (۱۸ دی ۱۳۵۴) و تک شماره ۵۱۴ (۶ بهمن ۱۳۳۹).

۲- کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران): از شماره ۶۳۱ (۲۰ دی ۱۳۴۱) تا شماره ۷۰۴ (۲۲ اسفند ۱۳۴۲) و از شماره ۹۱۲ (۲۶ مرداد ۱۳۴۶) تا شماره ۱۳۸۷ (۲۵ دی ۱۳۵۴).

پانوشتها

- ۱- رزم آسا، اسماعیل، تاریخ مطبوعات کرمان، تهران، زوار، ۱۳۶۷ ش.
- ۲- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۳- همان.
- ۴- همان.
- ۵- در آستانه نوزدهمین سال انتشار هفته نامه فاتح (۱۳۴۷ ش) امیرعباس هویدا، نخست وزیر، نصرت الله معینیان، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و جواد منصور، وزیر اطلاعات، هر یک پیام تبریک جداگانه ای به مناسبت سالروز انتشار فاتح به دفتر هفته نامه ارسال کردند و حسین فاتح در جوابشان نوشت: «از ابراز عنایت و لطف جناب آقای هویدا، نخست وزیر، جناب آقای منصور، وزیر اطلاعات و جناب آقای معینیان، ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی که به نحو سخاوتمندانه ای حمایت مطبوعات را و جبهه نظر بلند خود قرار داده اند صمیمانه سپاسگزاری می کنم.» این پیامهای تبریک در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ ش نیز تکرار شد (فاتح، س ۱۹، شم ۹۸۴، ۱۶ آبان ۱۳۴۷، ص ۱).
- ۶- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۷- همان.
- ۸- تحصیلات قدیم شامل ادبیات فارسی و عربی و قسمتی از منطق، فقه و اصول را دربر می گرفت و در بعضی مواقع ریاضیات و علوم طبیعی را هم شامل می شد.
- ۹- S.P.R / تفنگچیان جنوب ایران. (South Persia Rifles)
- ۱۰- ارکان کل حرب قشون یا ستاد فرماندهی و قرارگاه مرکزی نیروهای نظامی، پس از تأسیس ارتش، در ۱۳۰۱ ش سازمان یافت و تا آخر آن سال شکل ثابتی به خود گرفت. قرارگاه مرکزی (ارکان کل حرب قشون) تحت فرماندهی مستقیم رضاخان (وزیر جنگ) قرار داشت و این در حالی بود که فرماندهی کل ارتش نیز در عهده وی بود. ارکان کل حرب قشون دو زیر مجموعه داشت: ۱- ارکان حرب (ستاد فرماندهی و قرارگاه مرکزی یک واحد) به ریاست سرتیپ امان الله خان جهانبانی و معاونت سرهنگ حبیب الله خان شیبانی بود؛ ۲- هیئت شورای قشونی به ریاست سرتیپ سردار مقتدر. این هیئت توصیه های لازم را به فرمانده کل، در مورد طرحها و خط مشی نظامی می کرد و نیز مسئولیت اجرای اصول آموزش و آماده سازی جزوات مربوطه را برعهده داشت. (کرونین، استغفانی، ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران، خجسته، ۱۳۷۷ ش).
- ۱۱- قائم مقامی، جهانگیر، تحولات سیاسی نظام ایران...، تهران، علمی، ۱۳۲۶ ش؛ علی بابایی، غلامرضا، تاریخ ارتش ایران، تهران، آشیان، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۳- حزب عامیون: این حزب که نام خود را از حزب معروف صدر مشروطیت گرفته بود، در دهه ۱۳۲۰ ش توسط سیدحسین تقی زاده و چند تن دیگر از جمله محمود عرفان تأسیس شد (مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران...، تهران، رسا، ۱۳۷۵ ش).
- ۱۴- حزب اراده ملی: این حزب در بهمن ۱۳۲۳ توسط سیدضیاءالدین طباطبایی تأسیس شد. اولین کنگره حزبی که «مجلس بزرگ» خوانده می شد در فروردین ۱۳۲۴ تشکیل شد و بیشتر از یک سال فعالیت نکرد. از مشخصه های بارز این حزب مخالفت با حزب توده در همه زمینه ها بود و درگیریهایی که در قالب جنگ تبلیغاتی یا درگیری و برخوردهای خیابانی میان اعضای این دو حزب وجود داشت (طیرانی، بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران...، ج ۱،

تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ ش).

۱۵- حزب ملیون: این حزب در زمستان ۱۳۳۷ ش شروع به فعالیت کرد. هیئت مؤسس حزب، دکتر منوچهر اقبال را به دبیرکلی و ریاست کمیته مرکزی برگزید. ملیون، حزبی دولتی تلقی می‌شد که حمایت‌های شاه و اقبال - نخست وزیر - را به همراه داشت و در منازعات سیاسی عنوان یک حزب اکثریت را در مقابل اقلیت (حزب مردم) یدک می‌کشید. تابستان ۱۳۳۹ نقطه فراز و در عین حال فرود حزب بود چراکه برگزاری انتخابات تابستان ۱۳۳۹ باعث شد که حزب در شهریور ۱۳۳۹ از صحنه سیاست کنار گذاشته شود و جای آن را حزب ایران نوین بگیرد.

۱۶- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۱۷- همان.

۱۸- اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران، ۲ ج، به کوشش تیمور بشیر کنبری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۱۹- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲۰- رفراندوم مورد نظر اشاره‌ای است به پیام رادیویی دکتر مصدق در ۵ مرداد ۱۳۳۲، درباره برگزاری رفراندوم در تعطیلی مجلس هفدهم شورای ملی.

۲۱- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲۲- همان.

۲۳- همان. در ذیل همین اسناد، سند دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد حسین فاتح از سر اجبار و ناچاری اقدام به چاپ این سرمقاله و امثال آن کرده است. «... آقای حسین فاتح مدیر روزنامه فاتح ضمن ملاقات با منبع، از نظر درددل، سوابق گذشته خود و چاپخانه اش رامطرح می‌نماید و اظهار می‌دارد که سالهای ۳۲ و ۳۳ چاپخانه را آتش زده‌اند که منبع بعداً در این مورد از همکاران چاپخانه‌ای مدیر روزنامه مذکور تحقیق نموده و نامبرندگان اظهار داشته‌اند که مشارالیه در روز رفراندوم چنین مقاله‌ای در روزنامه خود درج نموده است.»

۲۴- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲۵- رزم آسا، اسماعیل، تاریخ مطبوعات کرمان، تهران، زوار، ۱۳۶۷ ش.

۲۶- فاتح (هفته نامه)، ش. ۱۰۷۱ (۴۹/۲/۲۳)، ص ۱.

۲۷- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲۸- همان.

۲۹- روحانی، حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، قم، دارالفکر و دارالعلم، ۱۳۵۸ ش.

۳۰- مصاحبه با سید محمود دعایی.

۳۱- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۳۲- مصاحبه با سید محمود دعایی.

۳۳- پرونده هفته نامه فاتح، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۳۴- همان.

۳۵- همان.

۳۶- همان.

۳۷- همان.

هفته نامه فاتح

۳۸- همان.

۳۹- همان.

۲۵۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی